

■ اصلاحات ارضی و مسئله سلب مالکیت از مالکان زن (۱۳۴۱-۱۳۵۱ ش):

مطالعه موردی: غرب ایران

شایان کریمی | داریوش رحمانیان

■ چکیده

هدف: هدف کلی مقاله حاضر تبیین تحول وضعیت اربابان و مالکان زن در جریان اصلاحات ارضی و نشان دادن چرایی و چگونگی سلب مالکیت از زنان و نیز، پیامدهای آن است.

روش/ رویکرد پژوهش: رویکرد تحقیق حاضر کیفی است. داده‌ها بر پایه اسناد و منابع کتابخانه‌ای و براساس نمونه‌گیری هدفمند گردآوری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش گراندد تئوری استفاده شد.

یافته‌های پژوهش: یافته‌ها نشان می‌دهد در جریان اصلاحات ارضی در ابعاد وسیعی از زنان سلب مالکیت شده است. مهم‌ترین عوامل سلب مالکیت از زنان عبارت‌اند از: قانون اصلاحات ارضی، غایب بودن مالکان زن، حق نسق و نسق‌بندی که در عرف جامعه روستایی و مردسالار ایران حقوقی مردانه تلقی می‌شد و در نهایت سقوط نظام ارباب‌رعیتی. سلب مالکیت از زنان پیامدهای متعددی داشت؛ سلطه‌پذیری و انقیاد زنان روستایی، نابرابری زنان روستایی با زنان شهری، خودسوزی زنان روستایی و گسترش مالکیت حقوقی از جمله پیامدهای حذف زنان از نظام مالکیت زمین در مناطق روستایی بود.

کلیدواژه‌ها

کرمانشاه، اربابان زن، اصلاحات ارضی، مالکیت زمین، گراندد تئوری

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و هفتم، دفتر دوم، (تابستان ۱۳۹۶)، ۶-۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۴

اصلاحات ارضی و مسئله سلب مالکیت از مالکان زن (۱۳۴۱-۱۳۵۱ش)؛ مطالعه موردی: غرب ایران

شایان کرمی^۱ | داریوش رحمانیان^۲

مقدمه

آماری از مالکان زمین در ایران بر مبنای تفکیک جنسیت در دست نیست. بررسی اسناد و منابع نشان می‌دهد بخش فراوانی از مالکان زمین در غرب ایران، از مشروطه تا اصلاحات ارضی، زن بودند.^۳ پس از انقلاب مشروطه و به‌خصوص از دوره پهلوی اول تعداد مالکان زن افزایش چشمگیری داشت. گرایش طبیعی به مالکیت خصوصی زمین سبب انهدام جمعیت‌های ایلی و پراکندگی ایلات و عشایر در شهرها و روستاها شد؛ بنابراین، هم‌زمان با رشد سرمایه‌داری در ایران و تجاری‌شدن کشاورزی یعنی از اواسط دوره قاجار، تحت‌تأثیر اقتصاد جهانی، زمین ارزش پولی پیدا کرد و خرید و فروش زمین بیشتر از گذشته رواج یافت. سیاست فروش زمین‌های خالصه و الغای تیول، سبب تقویت مالکیت خصوصی و رونق بازار خرید و فروش زمین شد. مجموعه عوامل ذکر شده به همراه شرایط علی دیگر از جمله: شکسته‌شدن قدرت خوانین محلی، تأسیس ادارات ثبت اسناد و املاک، قانون ارث‌بری در اسلام، برقراری امنیت، و... زمینه را برای فعالیت زنان در نظام مالکیت زمین هموار ساخت (رحمانیان و همکاران، پاییز ۱۳۹۵، ص ۵۲). تعیین بهره مالکانه به شکل نقدی، زن‌سالاری، ازدواج‌های سیاسی و... از تبعات مالکیت زنان در نظام ارباب‌رعیتی بود (رحمانیان و همکاران، پاییز ۱۳۹۵، ص ۵۸). اصلاحات ارضی مهم‌ترین رخداد اخیر ایران در حوزه نظام مالکیت زمین بود که پیامدهای متعدد آن در پژوهش‌های مختلفی واکاوی شده‌است. مسئله اصلی این مقاله، سلب مالکیت از اربابان و مالکان زن در جریان اصلاحات ارضی است که

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه

پیام‌نور، (نویسنده مسئول)

shayan_karami99@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران،

rahmanian@ut.ac.ir

۳. برای اطلاعات بیشتر نک: سایت

کتابخانه ملی، (<http://www.nlai.ir>)

جستجو، ذیل عنوان «اصلاحات ارضی

کرمانشاه». همچنین تعداد فراوانی از

اربابان و مالکان زمین مشمول مراحل

سه‌گانه اصلاحات ارضی در مناطق

لرستان، خوزستان و قزوین، زن بودند.

برای نمونه، از مجموع ۲۵۰ نفر مالک

مشمول مرحله دوم اصلاحات ارضی

در دزفول ۱۲۵ نفر زن بودند (ساکها،

۱۳۴۷/۶۱-۲۴، صص ۲-۳). همچنین

یک‌سوم عمده‌مالکان مشمول مرحله

اول اصلاحات ارضی در بروجرد جزء

طبقه اربابان زن بودند (ساکها، ۱۳۴۷/۶۵۵،

صص ۲-۳). در قزوین نیز حدود پانزده

ارباب زن مشمول مرحله اول اصلاحات

ارضی دست‌کم یک روستا را به‌صورت

شش‌دانگ مالک بودند (ساکها،

۱۳۴۷/۲۸۷۱، صص ۲-۳). در منطقه

الیگودرز نیز تعدادی از اربابان زن تا قبل

از اصلاحات ارضی مالک املاک وسیعی

بودند (ساکها، ۱۳۴۷/۸۵۶، صص ۷-۲۶).



تاکنون مغفول مانده است. آیا تا پیش از اصلاحات ارضی اربابان و مالکان زن در ایران وجود داشته‌اند؟ آیا طی اصلاحات ارضی از زنان سلب مالکیت شده است؟ نظر به اینکه تعداد فراوانی از مالکان زمین در ایران تا پیش از اصلاحات ارضی زن بودند^۱ و با این فرض که طی سه مرحله اصلاحات ارضی از زنان سلب مالکیت شده است، مقاله حاضر قصد دارد عوامل پیامدهای سلب مالکیت از زنان را تبیین نماید. تاکنون پژوهشی درباره اربابان و مالکان زن در ایران انجام نشده است. حتی در تحقیقات انجام شده درباره اصلاحات ارضی و نظام مالکیت زمین در ایران اشاره‌ای به مالکان و اربابان زن به چشم نمی‌خورد؛ بنابراین پژوهش حاضر پیشینه تحقیق ندارد^۲ و انجام آن ضروری است.

روش

روش تحقیق حاضر کیفی از نوع گراند تئوری^۳ با رویکرد اشتراک^۴ و کوربین^۵ است. نظریه و روش تحلیل زمینه‌ای را در سال ۱۹۶۷ بارنی گلاسر^۶ و آنزلم^۷ اشتراک معرفی و در کتاب معروف خود با نام «کشف نظریه زمینه‌ای»^۸ منتشر کردند (محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۳۱۳). در رویکرد گراند تئوری محقق پیش فرض‌ها را در هم می‌شکند و از عناصر قدیمی نظمی نو می‌آفریند (اشتراک و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۲۷).

روش گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر اسنادی و کتابخانه‌ای است. داده‌ها پس از جمع‌آوری، عبارت‌بندی و کدگذاری شد. در ادامه روند مطالعه از نمونه‌گیری هدفمند^۹ برای دستیابی به اطلاعاتی برای تبیین پدیده سلب مالکیت از زنان استفاده شد. انجام این کار مستلزم کاوش در داده‌های دست‌اول بود؛ بنابراین، نمونه‌گیری هدفمند، هم‌زمان با گردآوری و تحلیل اسناد انجام شد.^{۱۰} روند تجزیه و تحلیل داده‌ها تا اشباع نظری^{۱۱} و مفهومی ادامه داشت و در نهایت شرایط علی، راهبردها و پیامدهای پدیده مشخص شد. مهم‌ترین روش گردآوری داده‌ها بهره‌گیری از اسناد بود. کار تجزیه و تحلیل و کدگذاری باز^{۱۲} در حین جمع‌آوری داده‌ها انجام شد. داده‌ها پس از تجزیه و تحلیل به حالت اشباع و تکرار رسیدند و ادامه گردآوری متوقف شد. در سطح اول کدبندی، برحسب مشابهت و تجمیع مفاهیم، کدهای انتزاعی‌تر در ۱۶۰ مفهوم اصلی ساخته شد. در سطح دوم کدبندی یا کدبندی محوری^{۱۳}، ۵۵ مقوله عمده ساخته شد و در مرحله سوم یا کدبندی گزینشی^{۱۴}، ۷ تم اصلی شکل گرفت که در جدول شماره (۱) قابل مشاهده است.

۱. برای نمونه نک: رحمانیان، داریوش و همکاران، (۱۳۹۵)، «ظهور اربابان زن در غرب ایران؛ مطالعه موردی کرمانشاه»، پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره سوم، زمستان ۱۳۹۵، صص ۶۷-۶۵.
 ۲. مهم‌ترین تحقیقات انجام شده درباره نظام مالکیت زمین و اصلاحات ارضی در ایران به شرح زیر است: ادیبی، محمد، زمین و آب در ایران، (۱۳۳۳)؛ عبداللہیف، زن، «روستاییان ایران در اواخر دوره قاجار»، (۱۳۶۱)؛ عجمی، اسماعیل، اصلاحات ارضی در ایران، (۱۳۵۶)؛ الوندی، مینو، «درباره تقسیم محصول براساس عوامل پنج‌گانه»، (۱۳۶۱)؛ عمید، محمدجواد، کشاورزی، فقر و اصلاحات ارضی در ایران، (۱۳۶۹)؛ افشار، احمد، دهقانان زمین و انقلاب (۱۳۶۱)؛ اشرفی، احمد، نظام فتوایی یا نظام آسیایی، (۱۳۶۶)؛ اشرفی، احمد، «موانع رشد سرمایه‌داری در ایران»، (۱۳۵۶)؛ بهرامی، تقی، تاریخ کشاورزی ایران، (۱۳۳۰)؛ قهرمان، بابک، «دو یادداشت درباره کشاورزی تجاری در ایران»، (۱۳۶۱)؛ هوگلاند، اریک، زمین و انقلاب در ایران، (۱۳۶۱)؛ هوگلاند، اریک، «جمعیت خوش‌نشین در ایران»، (۱۳۵۱)؛ هومن، احمد، اقتصاد کشاورزی زمین، (۱۳۶۱)؛ همانگونه، داریوش، اصلاحات ارضی در ایران، (۱۳۶۲)؛ لیسائی‌زاده، عبدالعلی، تحولات اجتماعی در روستاهای ایران، (۱۳۶۹)؛ لیسائی‌زاده، ع. تأثیر اصلاحات ارضی ایران بر ساختار طبقه روستایی، (۱۳۶۲)؛ مؤمنی، باقر، مسائل ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، (۱۳۵۹)؛ هلموت، ریچارد، اصلاحات ارضی و کشاورزی تجاری در ایران، (۱۳۵۶)؛ ولی، عباس، ایران پیشا سرمایه‌داری، (۱۳۷۳)؛ سوداگر، محمدرضا، رشد روابط سرمایه‌داری در ایران، (۱۳۶۹)؛ سوداگر، م. نظام ارباب‌رعیتی در ایران، (۱۳۵۸)؛ یگانه، سیروس، ساختار کشاورزی ایران از اصلاحات ارضی تا انقلاب، (۱۳۷۳)؛ لبتون، آن، مالک و زارع در ایران، (۱۳۶۲)؛ لبتون، آن، اصلاحات ارضی در ایران، (۱۳۶۲)؛ خسروی، خسرو، جامعه‌شناسی ده، (۱۳۸۲)؛ نعلانی، فرهاد، تکامل فتواییسم در ایران، (۱۳۵۸)؛ عبداللہیان، حمید، نظام ارباب‌غلیب در ایران، (۱۳۶۲).

3. Grounded Theory

4. Strauss

ردیف	تعداد مفاهیم عمده	تعداد مقوله‌های عمده	تم
۱	۱۵	۸	اصلاحات ارضی
۲	۳۲	۷	حق نسق
۳	۳۶	۱۰	سوددهی ناچیز
۴	۱۵	۹	بی‌توجهی به زنان
۵	۱۶	۸	مهاجرت
۶	۲۶	۶	مالکیت حقوقی
۷	۲۰	۷	ماشینی‌شدن کشاورزی

جدول ۱

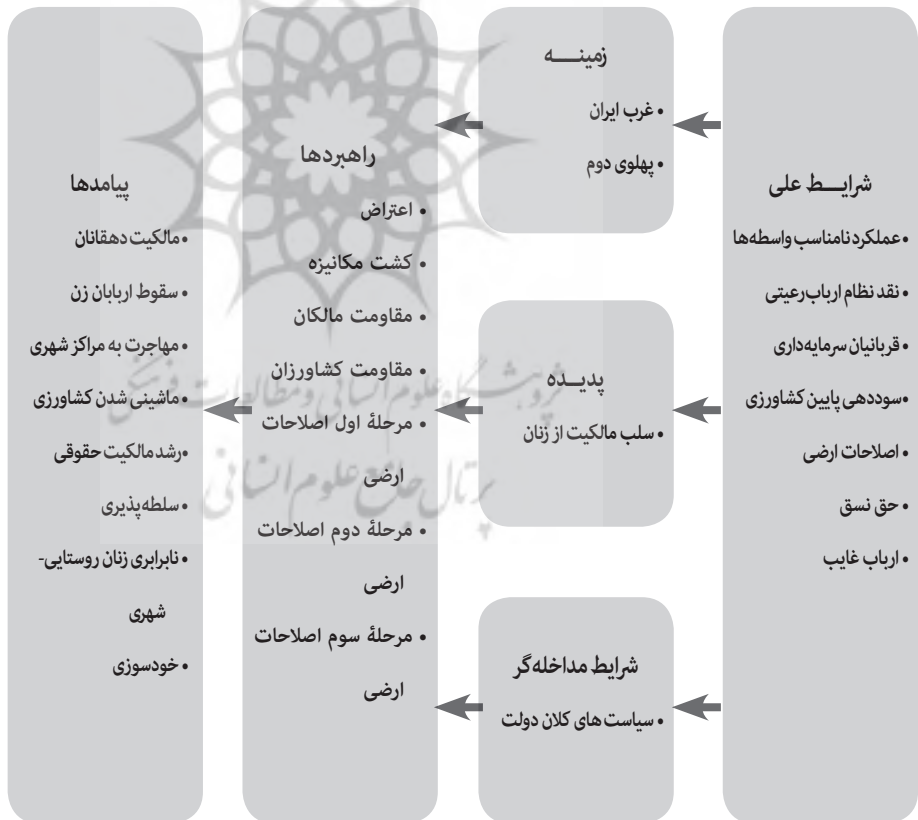
مفاهیم، مقوله‌های عمده و مقوله‌های
هسته استخراج شده

یافته‌های تحقیق

در ادامه، شرایط علی، شرایط میانجی، راهبردها و پیامدهای پدیده سلب مالکیت از زنان ذکر می‌شود. مدل پارادایمی پدیده سلب مالکیت از زنان در جدول (۲) قابل مشاهده است.

جدول ۲

مدل پارادایمی پدیده سلب مالکیت
از زنان



5. Corbin
6. Barney Glaser
7. Anselm S.
8. Discovery Grounded Theory
9. Purposive Sampling
۱۰. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری آقای شایان کریمی با عنوان «کشاورزی و زمینداری در غرب ایران از مشروطه تا پایان پهلوی» است. در این رساله از حدود ۱۰۰۰۰ برگ سند بهره‌برداری شده‌است. برخی از اسناد مورد استفاده در این پژوهش تاکنون در سازمان اسناد و کتابخانه ملی اسکن و شماره‌گذاری نشده و داده‌ها مأخوذ از اصل اسناد است. شماره‌گذاری این بخش از اسناد بنا بر ضرورت توسط نویسنده مسئول انجام شد.
11. Theoretical Saturation
12. Open Coding
13. Axial Coding
14. Selective Coding



شرایط علی

«عملکرد نامناسب واسطه‌ها»، «نقد نظام ارباب‌رعیتی»، «سوددهی پایین کشاورزی»، «قربانیان سرمایه‌داری»، «اصلاحات ارضی»، «حق نسق» و «ارباب غایب» عمده‌ترین مقوله‌های شرایط علی پدیده سلب مالکیت از زنان بود. در ادامه به بررسی هر کدام از مقوله‌های ذکر شده پرداخته می‌شود. با توجه به غیبت اربابان در روستا، مباشران و کدخدا واسطه بین مالکان و رعایا بودند (لهسایی زاده، ۱۳۶۹، ص ۱۲۶). کدخدا هم به جماعت رعیت تعلق داشت و هم مورد تأیید و منصوب مالکان و مستأجران بود (اشرف، ۱۳۶۱، ص ۷). مباشران و کدخدا بعضاً از طریق کلاهبرداری از مالک و ظلم به رعیت، به مال و منالی دست می‌یافتند و خود مالک می‌شدند. در برخی روستاها یک نفر عهده‌دار هر دو مقام - کدخدایی و مباشرت - بود؛ ولی در مجموع مقام مباشر از کدخدا بالاتر بود (هوگلاند، ۱۳۸۱، ص ۳۶). عملکرد نامناسب واسطه‌ها و ظلم و ستم آن‌ها به حساب مالکان غایب نوشته می‌شد. از ابتدای پهلوی دوم فضای عمومی جامعه علیه اربابان و نظام ارباب‌رعیتی شکل گرفت، به گونه‌ای که اربابان عامل بدبختی رعایا و نظام ارباب‌رعیتی عامل اصلی عقب‌ماندگی کشور قلمداد شد (عمید، ۱۳۸۱، ص ۱۰۵). ارباب که در گذشته نه‌چندان دور با عناوینی چون «عالی‌جاه»، «مسند عزت»، «چاکرنواز»، «رعیت پرور» و... خطاب می‌شد، در دوره پهلوی دوم، به «ارباب ظالم»، «فئودال خون‌خوار» و... تبدیل شد (ساکما، ۲۹۶/۵۴۷، برگ ۱؛ ۲۳۰/۴۲۴۲، برگ ۲۶-۳۷).

بهره‌برداری از زمین به روش سنتی بازدهی چندانی نداشت و برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بیش از ۶ درصد سود متصور نبود، در حالی که سود همان سرمایه در بانک ۱۵ درصد بود (مستوفی، ۱۳۲۶، ص ۲۴). از آغاز دوره پهلوی اول به دلیل افزایش ساخت‌وسازها و جاده‌سازی، برای کشاورزان کارهای دیگری به‌جز کشاورزی هم پیدا شد. در سال ۱۹۲۰م حدود ۳۰۰۰۰ نفر در جاده کرمانشاه به تهران مشغول کار بودند (نوشیروانی، ۱۳۶۱، ص ۱۹۲). کشاورزی به دلیل شیوه‌های کشت سنتی، جوابگوی هزینه‌های زندگی نبود و یک اکراه عمومی برای سرمایه‌گذاری در کشاورزی وجود داشت (Hooglund, 1981, p16). اصلاحات ارضی، زمین و کار را از یکدیگر جدا کرد و در معرض خرید و فروش قرار داد (قهرمان، ۱۳۶۱، ص ۱۳۵). پس از پایان اصلاحات ارضی دولت اعتبارات زیادی برای کشاورزان صاحب زمین اختصاص داد تا نتایج مثبت اصلاحات ارضی نمایان شود؛ ولی روستاییان ترجیح دادند این وجوه را در موارد دیگری خرج کنند تا سرمایه‌گذاری در کشاورزی (طاهری، ۱۳۶۰، ص ۴۵). از ابتدای دوره پهلوی دوم حقوق و دستمزد کارگران دو برابر شد؛ یعنی یک کارگر راه‌سازی سالانه حدود ۳۵۰۰ ریال درآمد داشت در حالی که درآمد



۱. همان‌گونه که در ادامه مقاله آمده است اصلاحات ارضی ایران صیغه سیاسی داشت و با پشتوانه و حمایت آمریکا انجام شد. دولت مالکان را برای فروش زمین تحت فشار گذاشت؛ ولی اعمال شیوه‌های سنتی در تولید کشاورزی و سوددهی ناچیز، برخی از عمده‌مالکان را متقاعد کرد که از محل فروش زمین و سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌های اقتصادی به سود بیشتری دست می‌یابند؛ بنابراین، عده‌ای از بزرگ‌مالکان، با رضایت، زمین‌هایشان را به دولت فروختند. البته باید توجه داشت این عده شامل عمده‌مالکان متمولی بود که توان سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، مسکن و... را داشتند و خرده‌مالکان به‌هیچ‌روی راضی به فروش زمین نبودند و به‌خصوص زنان خرده‌مالک آسیب‌پذیرترین قشر برنامه اصلاحات ارضی بودند.

۲. یادآوری این نکته ضروری است که منظور از اربابان غایب و ساکن در مراکز شهری، بزرگ مالکانی است که دست‌کم یک روستا را به صورت شش‌دانگ مالک بودند و بنا بر ارقام مجد تعداد آنها در کل کشور حدود ۵۰۰ نفر بود (Majid, 2000, p145). بدیهی است اکثریت سایر خرده‌مالکان که تعداد آنها در کل کشور، حدود ۲۰۰۰/۰۰۰ نفر برآورد شده است (Majid, 2000, p145)، از جمله تعداد انبوهی از خرورده مالکان زن، ساکن مناطق روستایی بودند. برای اطلاعات بیشتر نک: سرشماری عمومی نفوس و مسکن (کرمانشاه)، (آبان‌ماه ۱۳۴۵)، جلد ۲۸، مرکز آمار ایران.

۳. نسق عبارت است از مقدار زمین‌های تحت تصرف یک کشاورز و عملکرد عمرانی وی برای آباد کردن زمین. در قانون اصلاحات ارضی نظام نسق‌بندی عرفی و معمول در دهات به همان شکل سابق پذیرفته شد و جز در مواردی که ضرورت داشت، در بقیه روستاها نسق‌بندی جدیدی ایجاد نشد. نظام نسق‌بندی در روستاهای ایران مردسالار بود و زنان حق نسق نداشتند. با توجه به اینکه مبنای دریافت زمین در قانون اصلاحات ارضی حق نسق بود، بنابراین بدیهی بود زنان مشمول دریافت زمین نبودند.

سالانه یک رعیت کشاورز بین ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ ریال بود (ساکما، ۱۳۴۰/۱۰۶۱۲، برگ ۲). بنابراین، بسیاری از اربابان با رضایت کامل زمین‌ها را به دولت فروختند.^۱ اجرای اصلاحات ارضی گزینه‌ای سیاسی بود که از خارج از جامعه سیاسی ایران سرچشمه می‌گرفت (اشرف و بنوع‌زیزی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۵). آمریکا شاه ایران را به بهانه خطر کمونیسم، توسعه سرمایه‌داری و... برای اجرای برنامه اصلاحات ارضی تحت فشار گذاشت (اشرف و بنوع‌زیزی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۰)؛ چراکه جهان سرمایه‌داری سیستم بسته اقتصادی و کشاورزی ماقبل سرمایه‌داری را مانع گسترش فعالیت‌های سرمایه‌داری می‌دانست (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۹، ص ۱۴۵). پیوند اقتصاد ایران به اقتصاد سلطه‌جوی جهانی - که ماهیتی نیمه‌استعماری داشت - سبب تحول جدی در نظام زمین‌داری شد؛ بنابراین قدرتمندترین رکن کشور برای تغییر نظام زمین‌داری مطابق با خواسته قدرتمندان جهانی وارد عمل شد (اشرف، ۱۳۶۱، ص ۷). اشرف می‌گوید: نیروی پیش‌برنده برنامه اصلاحات ارضی زاینده دو اندیشه اسطوره‌ای بود؛ اول: «انقلاب دهقانی قریب‌الوقوع» و دوم: اجتناب‌ناپذیری انجام اصلاحات ارضی برای توسعه سرمایه‌داری (اشرف و بنوع‌زیزی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹). اربابان و مالکان زن لابه‌لای چرخ‌های عظیم ماشین غول‌پیکر اصلاحات ارضی - که مأمور باز کردن راه سرمایه‌داری در ایران بود - گرفتار شدند. وجه مشترک طبقه عمده‌مالک که چند ملک دور از هم داشتند، به ناگزیر، غایب بودن است (لمبتون، ۱۳۶۲، ص ۴۷۸؛ هوگلاند، ۱۳۸۱، ص ۸۲). اربابان زن نیز، در طبقه مالکان غایب قرار می‌گیرند؛ چراکه شخصاً به امور کشاورزی اشتغال نداشتند و بیشتر در مراکز شهری زندگی می‌کردند و همین غایب بودن یکی از عوامل اصلی سلب مالکیت از آنها بود^۲ (رحمانیان و همکاران، پاییز ۱۳۹۵، ص ۵۹).

تاکنون برداشت‌های متفاوتی از معنی اصلاحات ارضی شده است؛ ولی وجه مشترک همه تعاریف «توزیع مجدد زمین برای مقابله با بی‌عدالتی در روستاها» (عمید، ۱۳۸۱، ص ۷۸) است. خط‌مشی کشاورزی حکام قاجار و پهلوی و سیاست‌های غرب، زمینه را برای عمومیت‌بخشیدن به مالکیت خصوصی زمین هموار ساخت (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۹، ص ۳۹). طبق ماده هفدهم قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۰/۱۰/۱۹ش مبنای سهم‌بندی و دریافت زمین بین کشاورزان «نسق زراعتی»^۳ بود (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴، ص ۴۲؛ هوگلاند، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸). به موجب قانون پس از اصلاحات ارضی تغییر نسق زراعتی در دهات ممنوع شد و هر شخص به همان روشی که قانون اصلاحات ارضی برای وی مشخص کرده بود، در یک روستای مشخص کشاورز شناخته می‌شد (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴، ص ۴۷). طبق ماده ۲۲ لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی «کلیه زارعینی که در تاریخ تصویب این قانون در زمین هر ده به کشت و کار مشغول بوده‌اند ساکنین

همان ده شناخته می‌شوند و هیچ مالکی حق ندارد به هیچ‌عنوان زارع را از ده یا از اراضی مورد کشت و کار اخراج نماید» (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴، ص ۴۸). در روستاها زمین به تعداد رعایای ساکن روستا، از پیش، نسق‌بندی شده بود؛ بنابراین، مالکان غایب و به‌خصوص زنان، در املاک خویش، فاقد حق نسق بودند. در مرحله دوم اصلاحات ارضی بر حق نسق بیش‌ازپیش تأکید شد و به کشاورزان اطمینان داده شد کار خوش‌نشین‌ها و کارگران کشاورزی برای آن‌ها حق نسق ایجاد نخواهد کرد (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴، ص ۱۲۷). به‌موجب قانون اصلاحات ارضی «مالک کسی است که دارای زمین باشد بدون آنکه شخصاً به کشاورزی اشتغال داشته باشد» (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴، ص ۳). بدیهی است اشتغال‌نداشتن به کشاورزی به منزله بیرون‌بودن از نظام نسق‌بندی است. در جریان اصلاحات ارضی برخی از مالکان با اقدام به خرید حق نسق رعایا آن‌ها را از دهات اخراج کردند و این دسته از رعایا از دریافت زمین محروم و از دهقان صاحب نسق، به خوش‌نشین تبدیل شدند (عجمی، ۱۳۵۲، ص ۴۶). بسیاری از مالکان با قلدری، نفوذ اداری و سوءاستفاده از بی‌سوادی رعایا حق ریشه آن‌ها را گرفتند. از حق‌کشی رعایا به‌وسیله طبقه مالکان زن گزارشی ثبت نشده است. پس از اصلاحات ارضی مالکانی که زمینی در اختیار داشتند از ترس ایجاد حق نسق به‌شدت از استخدام رعایای بومی در کار کشاورزی اجتناب می‌کردند (عجمی، ۱۳۵۲، ص ۴۷) و ترجیح می‌دادند کارگران کشاورز فصلی را از نقاط دیگر استخدام کنند تا حقی برای آن‌ها ایجاد نشود. این مسئله بر شدت بیکاری در روستا افزود و در نهایت گزینه مهاجرت را تقویت کرد.

زمینه

زمینه یعنی محل حوادث و وقایع متعلق به پدیده (اشتراس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۹۸). زمینه مدنظر منطقه غرب ایران است از ابتدای پهلوی دوم تا پایان اصلاحات ارضی (۱۳۲۰ش-۱۳۵۱ش).

پدیده

پدیده در حال بررسی سلب مالکیت از زنان، در جریان اصلاحات ارضی است.

شرایط مداخله‌گر

جهت‌گیری سیاست‌های کلان دولت در ارتباط با نظام مالکیت زمین و کشاورزی از اواسط دوره قاجار به بعد، آرام‌آرام به سمت وسوی شکسته‌شدن مالکیت‌های کلان و عمومیت‌بخشیدن به



مالکیت خصوصی زمین تغییر مسیر داد. لغو تیول و فروش زمین‌های خالصه دو قدم مهم در این راستا بود که زمینه را برای اصلاحات ارضی فراهم کرد.

راهبردها

«اعتراض»، «کشت مکانیزه»، «مقاومت مالکان»، «مقاومت کشاورزان»، «مرحله اول اصلاحات ارضی»، «مرحله دوم اصلاحات ارضی» و «مرحله سوم اصلاحات ارضی» عمده‌ترین راهبردها بود. به استناد اسناد، زنان خرده‌مالک مقارن با تصویب قانون اصلاحات ارضی در زمستان ۱۳۴۱ش در مقابل منزل آیت‌الله بهبهانی که میزبان نخست‌وزیر - اسدالله علم - بود، دست به تجمعی اعتراض‌آمیز زدند (مراسان، ۱-۱۶۵۴، برگ ۱). زنان خرده‌مالک مشمول مرحله سوم اصلاحات ارضی حدود یک سوم خرده‌مالکان سنندج را شامل می‌شدند. خرده‌مالکان زن همپای سایر مردان خرده‌مالک مخالفت خود را با قانون تقسیم و فروش املاک به زارعین مستأجر اعلام کردند (ساکما، ۲۷۰/۵۳، ۲۳۰). قانون اولیه اصلاحات ارضی یک قانون انقلابی در حمایت از طبقه دهقان بود و به اعتراض‌های اربابان توجهی نکرد. در مرحله دوم و سوم اصلاحات ارضی مالکان زن طی دادخواست‌ها و عریضه‌های متعددی به مجلس شورای ملی خواستار توجه به حقوق زنان و خرده‌مالکان شدند (کمام، ۴۳۰۲۸، برگ ۱؛ ۳۳۰۲۷، برگ ۴).

طبق بند ۶ ماده دوم قانون اصلاحات ارضی همه زمین‌هایی که تا دو سال قبل از تاریخ تصویب قانون، دست‌کم یک فصل زراعی از طریق کشت مکانیزه، بدون شراکت زارع و به‌وسیله کارگر کشاورزی بهره‌برداری شده بودند، از تقسیم معاف شدند (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴، ص ۱۷). بسیاری از مالکان با رشوه‌دادن به مأموران دولت، املاک خود را در ردیف زمین‌های مکانیزه ثبت می‌کردند و احتمالاً با خریداری یک دستگاه تراکتور اعلام می‌کردند روستاهای آن‌ها قبل از قانون اصلاحات ارضی مکانیزه بوده و از تقسیم مستثناست (هوگلاند، ۱۳۸۱، ص ۱۱۸؛ لمبتون، ۱۳۶۲، ص ۱۰۱). دقیقاً مشخص نیست چه تعداد از مالکان زن توانسته‌اند با سرمایه‌گذاری در کشت مکانیزه املاکشان را حفظ کنند.

در سال ۱۳۲۵ش «اتحادیه کارگران و دهقانان غرب» که شعبه‌ای از حزب توده بود در کرمانشاه تشکیل شد (ساکما، ۲۹۰/۶۸۰۶، برگ ۱۱). هدف این اتحادیه تهییج و شوراندن دهقانان علیه مالکان بود. در مناطق کرد، کلیایی و... کشاورزان نه تنها از پرداخت بهره مالکانه خودداری کردند، بلکه، خانه‌های اربابان را نیز غارت کردند (ساکما، ۲۹۰/۸۳۱۹، برگ ۲-۱۲). در سال ۱۳۲۵ش عمده‌مالکان معروف کرمانشاه از جمله: قبادیان‌ها، امیراحشامی، پالیزی‌ها، بیگزادگان اورامان، باباجانی‌ها، ولدبیگی‌ها، معتضدی‌ها و خوانین کلیایی «اتحادیه کرمانشاهان

۱. بهره مالکانه سهمی از محصول بود که به شکل نقدی یا جنسی از سوی کشاورز به مالک، به عنوان حق مالکیت، پرداخت می‌شد.



و ایلام و عشایر غرب» را در مقابل «اتحادیه کارگران و دهقانان غرب» تشکیل دادند (ساکما، ۲۹۰/۶۸۱۳، برگ ۳-۷). هدف از تشکیل این اتحادیه مبارزه با حزب توده و مقاومت در برابر تحریکات دهقانان بود (ساکما، ۲۹۰/۶۸۱۳، برگ ۳-۷). پس از مرحله اول اصلاحات ارضی نظم روستاها به هم خورد و رعایا با مقاومت در برابر مالکان از پرداخت بهره مالکانه سرباز زدند (هوگلاند، ۱۳۸۱، ص ۱۱۳). خشم کشاورزان در مرحله دوم اصلاحات ارضی متوجه اربابان بود؛ زیرا معتقد بودند نظام اجاره‌داری به ضرر آنهاست و اربابان با دست بردن در قانون، دولت را مجبور کرده‌اند نظام اجاره‌داری را بر آنها تحمیل کند (هوگلاند، ۱۳۸۱، ص ۱۳۰). در این مرحله کشاورزان با نپرداختن بهره مالکانه و سرقت اموال مالکان، اشکالی ابتدایی از مقاومت را در برابر مالکان به نمایش گذاشتند.

قانون مرحله اول اصلاحات ارضی قانونی انقلابی در راستای حمایت از حقوق کشاورزان بود (عمید، ۱۳۸۱، ص ۱۱۸) و عمده مالکان زن در این مرحله املاکشان را از دست دادند. قانون اصلاحات ارضی خانوار را این گونه تعریف کرده است: خانوار عبارت است از زن و فرزندان که تحت تکفل یا ولایت رئیس خانوار هستند و از نظر مقررات این قانون، در حکم یک نفر محسوب می‌شوند (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴، ص ۲). طبق قانون اصلاحات ارضی همسر و هر یک از فرزندان وی همگی یک فرد به حساب می‌آمدند و طبق قانون فقط می‌توانستند، به همراه رئیس خانوار، فقط یک ده شش‌دانگ داشته باشند (عمید، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹)؛ بنابراین، زانی که جدا از همسر، مالک تعدادی روستا بودند از حقوق قانونی مالکیت محروم شدند. چهل و سومین جلسه شورای اصلاحات ارضی در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۴۲ پس از گذشت ۸ ماه از اجرای اصلاحات ارضی با نظریه «حقوق زنان مالک» و «شناختن شخصیت مستقل برای بانوان» موافقت کرد (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴، ص ۳)؛ ولی در مواردی که نقل و انتقال اسناد مالکان زن انجام و املاک آنها بین کشاورزان تقسیم شده بود، به دلیل اشکالات قانونی با فسخ معامله موافقت نشد (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴، ص ۳) و این دسته از عمده مالکان زن از حقوقی قانونی خود محروم شدند. در مرحله دوم اصلاحات ارضی دولت دیگر خریدار مستقیم زمین از مالکان نبود و با افزودن موادی به قانون اصلاحات ارضی، چند راه پیش روی مالکان نهاد. اول: عقد قرارداد رسمی برای اجاره بین مالک و کشاورز؛ دوم: فروش املاک به وسیله خود مالک به کشاورزان؛ سوم: تقسیم زمین بین مالک و کشاورز به نسبت بهره مالکانه؛ چهارم: تشکیل واحد سهامی زراعی میان مالک و کشاورزان؛ پنجم: خرید حق ریشه کشاورزان به وسیله مالکان (هوگلاند، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲). اکثریت مالکان در مرحله دوم اصلاحات ارضی گزینه اجاره را انتخاب کردند. مالکان زن چون شخصاً روی زمین کار نمی‌کردند از حق نسق

محروم بودند؛ ولی مالکان مرد در بسیاری موارد، شخصاً روی قسمتی از زمین‌های خود، کار می‌کردند و دارای حق نسق بودند.

قانون تقسیم و فروش املاک مورداجاره به زارعان مستأجر، معروف به مرحله سوم اصلاحات ارضی، در تاریخ ۲۳ دی ۱۳۴۷ش به تصویب رسید. در واقع، مرحله سوم اصلاحات ارضی بر مبنای این تفکر شکل گرفت که بهره‌وری در تولید پایین است و تنها راه رشد اقتصاد کشاورزی، مکانیزه کردن کشت است. چون در مرحله دوم گزینه اجاره توافق شده بود و مالکان همچنان غایب بودند، دولت تصمیم گرفت مالکان غایب را وادار کند زمین‌ها را به کشاورزان واگذار کنند تا کشاورز با هزینه شخصی زمین را مکانیزه کند (هوگلاند، ۱۳۸۱، ص ۱۳۳). تمام مالکانی که املاکشان را به اجاره واگذار کرده بودند یا مالکانی که در املاک خود شرکت سهامی زراعی تشکیل داده بودند و نیز، مالکان مشمول مرحله دوم اصلاحات ارضی - که تا مرحله سوم از واگذاری یا اجاره زمین خودداری کرده بودند - مشمول مرحله سوم اصلاحات ارضی شدند. بنا بر داده‌های هوگلاند در مرحله سوم در کل ایران، حدود ۸۰۰/۰۰۰ مستأجر توانستند صاحب زمین شوند (هوگلاند، ۱۳۸۱، ص ۱۳۹). طبق محاسبات مجد ۵۲۳ عمده‌مالک در مرحله اول اصلاحات ارضی مالک ۴۵۳۸ روستا بودند (Majd, 2000, Pp136-137). مجد می‌گوید در مرحله سوم اصلاحات ارضی از ۱/۳۰۰/۰۰۰ خرده‌مالک سلب مالکیت و زمین آن‌ها بین ۱/۶۰۰/۰۰۰ کشاورز توزیع شد (Majd, 2000, P145). بر مبنای ارقام مجد، سایر شواهد و مدارک و بر پایه فرض و گمان، تعداد خرده‌مالکان زن که در مرحله سوم اصلاحات ارضی از آن‌ها سلب مالکیت شد، حدود ۵۰۰/۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود^۱. یک روی سکه اصلاحات ارضی مالکیت دهقانان است، روی دیگر و تاحدودی غم‌انگیز، سلب مالکیت از خرده‌مالکان (Majd, 2000, P128) زن است. آن‌ها مورد یک ظلم بزرگ تاریخی واقع شدند.

پیامدها

«سقوط اربابان زن»، «مالکیت دهقانان»، «ماشینی شدن کشاورزی»، «مهاجرت به مراکز شهری»، «رشد مالکیت حقوقی»، «خرود شدن زنان خرده‌مالک»، «سلطه‌پذیری»، «نابرابری زنان روستایی-شهری» و «خودسوزی» مهم‌ترین پیامدها بود. اصلاحات ارضی در عمل طبقه زمین‌دار قدیمی و مناسبات ارباب‌رعیتی سنتی را در روستا از میان برد. این برنامه به نقش میانجی‌گری زمین‌داران، بین دولت و رعایا از یک‌سو و نقش واسطه‌گری کدخدایان و مباشران بین رعایا و مالکان خاتمه داد (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸، ص ۷۷). بزرگ‌ترین دستاورد اصلاحات ارضی سقوط نظام ارباب‌رعیتی بود. در این میان با سلب مالکیت از

۱. آمارهای ذکر شده متعلق به کل ایران است.



طبقه اربابان و مالکان زن، یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد تاریخی فرهنگی ایران در حوزه نظام مالکیت زمین از میان رفت.

پس از اصلاحات ارضی استفاده از نیروی ماشین‌آلات به‌خصوص در امور آبیاری به‌سرعت توسعه یافت (عجمی، ۱۳۵۲، ص ۴۴). مهم‌ترین سیاست ترویج کشاورزی ماشینی تأمین وام کم‌بهره برای خرید ماشین‌های کشاورزی بود (فلاح، ۱۳۶۱، ص ۹۶). همچنین استثنای قانون اصلاحات ارضی برای زمین‌های مکانیزه، یکی از عوامل ماشینی‌شدن کشاورزی بود.

سرشماری نشان می‌دهد درحالی‌که جمعیت عمومی ایران ۳۲ درصد افزایش یافته بود، جمعیت روستایی تنها با ۵ درصد افزایش از ۱۵/۳ به ۱۶ میلیون نفر رسید (Hooglund, 1981, p19). جمعیت شهر کرمانشاه از ۱۸۷۰۰۰ نفر در سال ۱۳۴۵ش به ۲۹۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۵۵ش افزایش یافت (هوگلاند، ۱۳۸۱، ص ۲۰۹). در همین فاصله زمانی، جمعیت خرم‌آباد از ۵۹۰۰۰ نفر، به ۱۰۴۰۰۰ نفر رسید (هوگلاند، ۱۳۸۱، ص ۲۰۹). در ایلام و سندج نیز وضعیت به همین منوال بود. به فاصله یک دهه از اواسط اصلاحات ارضی تا انقلاب اسلامی (۱۳۴۷-۱۳۵۷ش)، بر اثر فشار و نابرابری روستایی و ازسویی کشش و جذب شهرهای مهاجرت روستایی-شهری ۲۲ درصد افزایش یافت و بدون شک اصلاحات ارضی مهم‌ترین عامل آن بود (Mohtadi, 1990, P843). بنابراین جمعیت مراکز شهری در غرب ایران دو برابر شد و بسیاری از روستاها متروک شدند. بخشی از مهاجران خوش‌نشینانی بودند که شانس در اصلاحات ارضی نداشتند (Hooglund, 1983, p238).

در دوره‌ای که عرصه برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی زنان محدود بود، زمین تنها منبع کسب درآمد و امنیت شغلی زنان محسوب می‌شد. گواه آن اسناد عقدنامه‌هاست که در غالب آن‌ها مهریه به شکل ملک تعیین شده‌است. تنها عایدی بخش عمده‌ای از خرده‌مالکان زن قطعه زمینی بود که به واسطه مهریه و صداق در ملکیت داشتند (سرلک، اردیبهشت ۱۳۸۴، ص ۱۸۳). قانون مرحله سوم اصلاحات ارضی بدون توجه به این مسئله که آیا قانون مجاز است مهریه و صداق یک زن بیوه را از وی بگیرد؟ بسیاری از خرده‌مالکان زن را از هستی ساقط کرد (سرلک، اردیبهشت ۱۳۸۴، ص ۱۸۳).

پس از اصلاحات ارضی نظام مالکیت حقوقی در قالب تعاونی‌های تولید، شرکت‌های سهامی زراعی، و شرکت‌های کشت و صنعت، جایگزین نظام مالکیت حقیقی ارباب‌رعیتی شد. طبق تبصره یک ماده نوزدهم قانون اصلاحات ارضی، شرکت‌های تعاونی روستایی مختار بودند بنا بر تشخیص و مصلحت شرکت، زمین واگذاری را از کشاورزان پس بگیرند (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴، ص ۴۴). در نظام مالکیت حقوقی ارتباط کشاورزان با



زمین و مالکیت آن‌ها محفوظ بود اما نقش مدیریتی کشاورزان بسیار کم‌رنگ بوده و تنها در سطوح میانی و پایین، مدیریت امور در دست کشاورزان قرار داشت (ساکما، ۲۲۰/۴۷۰۷، برگ ۶). در نظام حقوقی بهره‌برداری از زمین، کشاورزان بازیچه دست هیئت‌مدیره شرکت‌ها شدند و بهره‌وری به شدت کاهش یافت. برای دولت مذاکره با تعدادی مالک بزرگ حقوقی (شرکت‌ها) در بخش کشاورزی بهتر از مواجهه با انبوهی از دهقانان پراکنده بود.

محدودیت در قدرت تصمیم‌گیری، نظارت و کنترل از جانب همسر و آسیب‌پذیری در نقش «خانه‌داری» در میان زنان روستایی، ناشی از سلب مالکیت و ازدست‌دادن زمین است (Jacobs, 2002, P889). اصلاحات ارضی با سلب مالکیت از زنان روستایی و واگذاری زمین به مردها، قدرت مردها را چند برابر و در نتیجه مردسالاری را در روستاها تقویت کرد. از آن‌پس زنان روستایی رسالت خانه‌داری یافتند و با ازدست‌رفتن استقلال مالی مجبور شدند بیش‌ازپیش از همسران خویش تبعیت کنند (Jacobs, 2002, P889). کوتاه اینکه از پیامدهای مهم اصلاحات ارضی برای زنان روستایی سلطه‌پذیری و انقیاد در روابط خانوادگی بود. به‌واسطه رونق بازار فروش نفت، به فاصله کوتاه چند سال پس از پایان اصلاحات ارضی، (۱۳۵۱-۱۳۵۵ش) تقریباً اقتصاد ایران منحصر به فروش نفت شد (Hooglund, 1981, p19). دولت که منبع پردرآمد دیگری در دست داشت از زمین چشم‌پوشی کرد (Moghaddam, 1972, p161). اقتصاد نفتی به گونه‌ای چشمگیر سبب رونق شهرها و نابرابری شهر و روستا شد. درحالی‌که در روستاها زنان روستایی از امکانات رفاهی کمی برخوردار بودند، فرصت‌های شغلی زیادی در شهرها (Hooglund, 1981, p19) سبب توانمندی زنان شهری شد. این در حالی بود که زنان روستایی با واگذاری زمین‌ها قدرت مذاکره را از دست دادند. رونق شهرها در مقابل رکود روستاها منجر به خصومت و دشمنی با شهرها شد (Alatas, 1993, P486). مسئله شیوع خودسوزی زنان در ایران در دهه‌های پس از اصلاحات ارضی تا سال‌های اخیر، از جمله دغدغه‌های اجتماعی است که تاکنون پژوهشی جدی درباره آن انجام نشده است. مجد می‌گوید در آستانه اصلاحات ارضی ۶۰ درصد زمین‌های کشاورزی، جمعیت روستایی و تولید کشاورزی در ۹ استان از جمله: کرمانشاه، لرستان، همدان، آذربایجان شرقی، گیلان و مازندران متمرکز شده بود (Majd, 1993, P442). بیشترین تعداد خرده‌مالکان زن در استان‌های غربی بودند، مناطقی که بیشترین آمار خودسوزی زنان را در دهه‌های پس از اصلاحات ارضی دارند. از سوختگی با نام بیماری فقرا و مناطق کم‌برخوردار یاد می‌شود. خودسوزی در میان زنان شهری و دارای شرایط اقتصادی مطلوب به‌ندرت دیده می‌شود (شیعه نیوز، ۷ بهمن ۱۳۹۴). اولین مرکز سوانح و سوختگی ایران در سال ۱۳۵۱ش، سال پایان اصلاحات ارضی، در تهران شروع به فعالیت کرد (مرکز آموزشی درمانی شهید مطهری، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵).

پژوهش احمدی نشان می‌دهد زنان روستایی خانه‌دار بیشترین قربانیان خودسوزی در مناطق غربی کشور هستند (احمدی، بهار ۱۳۸۴، صص ۳۰-۳۱). همچنین بررسی یوسفی لبنی و میرزایی نشان می‌دهد فقر و شرایط نامناسب اقتصادی از عوامل عمده خودسوزی زنان در استان‌های غربی کشور است (یوسفی لبنی و میرزایی، بهار ۱۳۹۲، صص ۶۷۴-۶۷۸). هند، سریلانکا، ایران، زیمبابوه، مصر و آفریقای جنوبی بالاترین آمار خودسوزی زنان را در جهان دارند (امیرمادی و همکاران، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۴۲) در کشورهای نامبرده زنان هیچ سهمی از زمین در جریان اصلاحات ارضی نداشته‌اند (Jacobs, 2002, p889).

نتیجه‌گیری

بررسی اسناد اصلاحات ارضی مناطقی از غرب ایران از جمله: کرمانشاه، لرستان، کردستان، همدان و خوزستان، موجود در آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، نشان داد در میان مالکانی که زمین به اداره اصلاحات ارضی فروخته‌اند اسم حدود چند هزار زن ثبت شده‌است؛ ولی در میان اسناد مالکیتی که دولت به کشاورزان واگذار کرده‌است به ندرت اسم یک زن به چشم می‌خورد؛ یعنی، در ورودی اصلاحات ارضی تعداد فراوانی مالک زن به همراه مالکان مرد اسناد مالکیت خویش را به دولت واگذار کردند؛ ولی در خروجی اصلاحات ارضی اسناد مالکیت، تقریباً فقط در دست مردها بود. قانون مرحله اول اصلاحات ارضی حق مالکیت زنان را نادیده گرفت؛ چراکه زنان به همراه سایر فرزندان، تحت تکفل سرپرست خانوار محسوب شدند. هرچند با اصلاح قانون در سال ۱۳۴۲ش و شناختن شخصیت مستقل برای بانوان، آن‌ها نیز از حق قانونی مالکیت زمین برخوردار شدند؛ ولی سه معضل حل نشده باقی ماند. اول: این قانون زمانی تصویب شد که تقریباً نیمی از مرحله اول اصلاحات ارضی انجام و تعداد زیادی از مالکان زمین‌هایشان را واگذار کرده بودند. دوم: قانون اصلاحات ارضی با وجود به رسمیت شناختن حقوق و شخصیت مستقل برای بانوان، استثناء، بند یا تبصره‌ای برای جنسیت قائل نشد. سوم: در مرحله سوم اصلاحات ارضی به آسیب‌پذیری گروه خرده‌مالکان زن توجهی نشد. حتی بیوه‌زنانی که به جای مهریه مالک قطعه زمینی بودند و به روش اجاره‌داری گذران می‌کردند، مشمول مرحله سوم اصلاحات ارضی شدند. در قانون اصلاحات ارضی مبنای دریافت زمین حق نسق بود. در روستاها نسق‌بندی و حق نسق همیشه حق مردها بود و زنان روستایی که پایه‌پای مردها و حتی بیشتر از مردها بر سر زمین مشغول کار و تلاش بودند از حق نسق محروم بودند؛ بنابراین طی اصلاحات ارضی نه تنها به زنان روستایی زمینی واگذار نشد بلکه، از اربابان و مالکان زن که بنا به هر دلیل تا پیش از اصلاحات ارضی مالک شناخته می‌شدند سلب



مالکیت شد. سلطه‌پذیری و انقیاد اجتماعی از پیامدهای سلب مالکیت از زنان روستایی بود. پس از اصلاحات ارضی رونق فروش نفت سبب رونق شهرها شد و به‌موازات فرصت‌های شغلی در شهرها زنان شهری توانمند شدند؛ ولی زنان روستایی خانه‌دار و مطیع باقی ماندند. هم‌چنین معضل خودسوزی زنان روستایی، به‌خصوص در مناطق غربی کشور که در دهه‌های اخیر مورد توجه جامعه‌شناسان بوده‌است ارتباط معنی‌داری با مسئله سلب مالکیت از زنان دارد. در خاتمه چند پیشنهاد می‌توان داد: ۱. اربابان و مالکان زن و مسئله سلب مالکیت از آن‌ها در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده‌است پیشنهاد می‌شود پژوهشگران رشته‌های تاریخ، جامعه‌شناسی، مطالعات روستایی و... در تحقیقاتشان به این مقوله مهم توجه کنند. ۲. مقاله حاضر مسئله سلب مالکیت از زنان را در غرب ایران بررسی کرده‌است و جا دارد دیگر پژوهشگران این مقوله را در سایر حوزه‌های جغرافیایی کندوکاو کنند. ۳. با توجه به مشغله نویسندگان و نداشتن زمان کافی در این تحقیق بیشتر از روش اسنادی استفاده شده‌است، پیشنهاد می‌شود محققانی که علاقه‌مند به تحقیق در حوزه تاریخ کشاورزی و نظام مالکیت زمین در ایران هستند، برای غنی‌تر شدن یافته‌ها و نتایج، از سایر روش‌ها مانند تحقیق میدانی، تاریخ شفاهی و... بهره‌برداری کنند.

منابع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما): ۲۲۰/۴۷۰۷؛ ۲۳۰/۶۵۵؛ ۲۳۰/۲۸۷۱؛ ۲۳۰/۴۲۴۲؛ ۲۳۰/۲۷۰۵۳؛ ۲۴۰/۱۰۶۱۲؛ ۲۴۰/۶۱۰۴۷؛ ۲۶۰/۸۵۶؛ ۲۹۰/۶۸۰۶؛ ۲۹۰/۶۸۱۳؛ ۲۹۰/۸۳۱۹؛ ۲۹۶/۵۴۷.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان): ۱-۱۶۵۴.

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): ۳۳۰۲۷؛ ۴۳۰۲۸.

کتاب

اشتراس، آنزلم و کوربین، جولیت. (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها. (بیوک محمدی، مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

اشرف، احمد و بنوعزیزی، علی. (۱۳۸۸). طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران. (سهیلا ترابی فارسانی، مترجم). تهران: نیلوفر.

طاهری، تقی. (۱۳۶۰). مساله مهاجرت روستائی در ایران. تهران: سازمان برنامه‌و بودجه.

عجمی، اسماعیل. (۱۳۵۲). شش‌دانگی. تهران: انتشارات توس.

عمید، محمدجواد. (۱۳۸۱). کشاورزی، فقر و اصلاحات ارضی در ایران. (سیدرامین امینی نژاد، مترجم). تهران: نشرنی.



لمبتون، آن. (۱۳۶۲). *مالک و زارع در ایران*. (منوچهر امیری، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.

لهستانی زاده، عبدالعلی. (۱۳۶۹). *تحولات اجتماعی در روستاهای ایران*. شیراز: نوید شیراز.

مجموعه اصلاحات ارضی: شامل کلیه قوانین و آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها و مصوبات شورای اصلاحات ارضی. (۱۳۴۴). تهران: انتشارات مجلس شورای ملی.

محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش*. (ج ۱). تهران: جامعه‌شناسان.

مستوفی، عبدالله. (۱۳۲۶). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. (ج ۳). تهران: علمی.

هوگلاند، اریک. (۱۳۸۱). *زمین و انقلاب در ایران (۱۳۴۰-۱۳۶۰)*. (فیروزه مهاجر، مترجم). تهران: نشر و پژوهش شیرازه.

مقاله

احمدی، علیرضا. (بهار ۱۳۸۴). «فراوانی اقدام به خودسوزی در اقدام‌کنندگان به خودکشی در شهرستان اسلام‌آباد غرب (۸۱-۱۳۷۶)». *مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (بهبود)*. دوره نهم. (شماره ۲۴). صص ۲۶-۳۶.

امیرمرادی، فرشته و همکاران. (بهار ۱۳۸۴). «بررسی علل اقدام به خودسوزی زنان متأهل». *فصلنامه حیات*. سال یازدهم. (شماره ۲۴ و ۲۵). صص ۴۱-۵۰.

رحمانیان، داریوش و همکاران، (زمستان ۱۳۹۵). «ظهور اربابان زن در غرب ایران؛ از مشروطه تا پایان پهلوی اول (۱۳۲۰ش-۱۲۸۵ش)» مطالعه موردی کرمانشاه. *پژوهش‌نامه زنان*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال هفتم. (شماره ۳). صص ۴۷-۶۵.

سرلک، رضا. (اردیبهشت ۱۳۸۴). «اصلاحات ارضی، بررسی اوضاع کشاورزی در دوره پهلوی دوم». *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*. دوره نوزدهم. (شماره ۲۱۱ و ۲۱۲). صص ۱۸۰-۱۸۵.

یوسفی لینی، جواد و میرزایی، حسن. (بهار ۱۳۹۲). «بررسی عوامل موثر بر خودسوزی در بین زنان (مطالعه موردی شهرستان‌های روانسر و جوانرود استان کرمانشاه)». *مجله تحقیقات نظام سلامت*. دوره نهم. (شماره ۷). صص ۶۷۲-۶۸۱.

مجموعه مقاله

اشرف، احمد. (۱۳۶۱). «دهقانان، زمین و انقلاب». در *کتاب مسائل ارضی و دهقانی (ایران و خاورمیانه)*. تهران: آگاه.

فلاح، سید و وحید، (۱۳۶۱). «ماشینی شدن کشاورزی در ایران». در *کتاب مسائل ارضی و دهقانی (ایران و خاورمیانه)*. تهران: آگاه.

قهرمان، بابک. (۱۳۶۱). «دو یادداشت درباره کشاورزی تجاری در ایران». در *کتاب مسائل ارضی و دهقانی (ایران و خاورمیانه)*. تهران: آگاه.



نو شیروانی، س. و. (۱۳۶۱). «سراغاز تجاری شدن کشاورزی در ایران». در کتاب *مسائل ارضی و دهقانی (ایران و خاورمیانه)*. تهران: آگاه.

منابع اینترنتی

شیعه نیوز. «بالا بودن خودسوزی در استان‌های غربی کشور». (۷ بهمن ۱۳۹۴) از:

<http://www.shia-news.com/fa/news/110765>

مرکز آموزشی درمانی شهید مطهری. «تاریخچه». (۲۰ خرداد ۱۳۹۵) از:

<http://crtm.iums.ac.ir/?fkeyid=&siteid=49&pageid=2351>

ویکی‌پدیا. «نسق». (۱۵ بهمن ۱۳۹۵) از:

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D8%B3%D9%82>

مقاله انگلیسی

Alatas, Syed Farid. (Sep1993). "The Asiatic mode of production and the formative Tur-
kic and Iranian state in modern times". *Central Asian Survey*. No4. (Vol12). PP
473-496.

Hooglund, Eric. (Sep1981). "Iran's Agricultural Inheritance". *MERIP Reports*. No 99.
PP 15-19.

Hooglund, Eric. (Autumn1973). "The Khwushnishin Population of Iran". *Iranian Stud-
ies*. No4. (Vol6). pp 229-245.

Jacobs, Susie. (Aug2002). "Land Reform: still a goal worth pursuing for rural women".
Journal of International Development. No6. (Vol14). PP 887-898.

Majd, Mohammad Gholi. (Feb1993). "Small landowners and land Distribution in Iran;
1962-71". *Middle East Studies*. No1. (Vol32). PP 123-153.

Moghaddam, Reza. (May1972). "Land Reform and rural Development in Iran". *Land
Economics*. No2. (Vol48). PP 160-168.

Mohtadi, Hamid, (June1990). "Rural Inequality and Rural-push versus Urban-pull
migration: the case of Iran, 1956-1976". *World development*. No6. (Vol18). PP
837-844.

